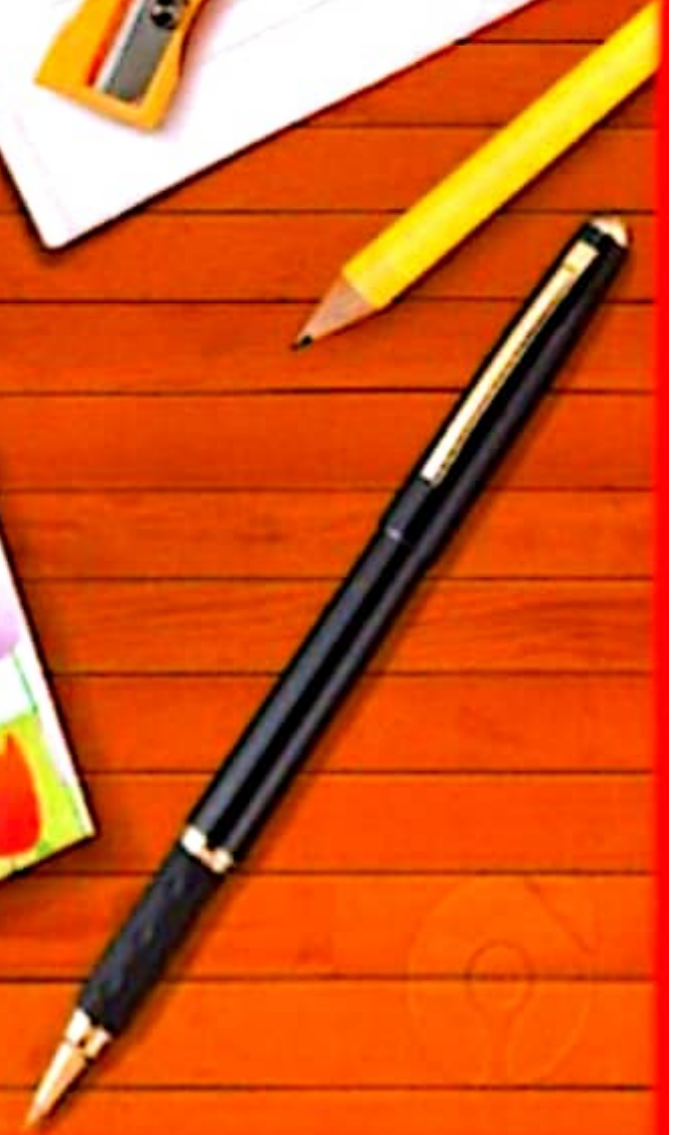


سوادمداری

دریای خزر



به نام خداوند بخشنده و مهربان

نکات دستوری درس مسجد محله ی ما

دبستان و پیش دبستان علوی

آموزگار: خانم خاکسار





مسجد محله‌ی ما

مردم محله‌ی ما بسیار خوش حال بودند. کار بنایی مسجد، تازه تمام شده بود. مردم می‌خواستند برای اولین بار، نماز را به جماعت در این مسجد بخوانند. مسجد چراغانی شده بود. حوض مسجد پر از آب بود. مهدی با پدر و مادرش، گلدان‌های پرگلی را که آورده بودند، کنار حوض قرار دادند. چند نفر هم شیرینی و شربت به مردم می‌دادند.

بعد از نماز، امام جماعت از هدیه‌ی کسانی که در ساختن مسجد، کمک و همکاری کرده بودند، تشکر کرد و گفت: «مسجد خانه‌ی خداست. وقتی برای خواندن نماز به مسجد می‌آییم، از حال یکدیگر با خبر می‌شویم و با هم فکر می‌کنیم، می‌توانیم کارهای خوب و بزرگ انجام دهیم.»

هنگامی که مهدی با پدر و مادرش از مسجد خارج می شدند، مهدی رو به مادرش کرد و گفت:
«من با دقت به حرف های پیش نماز گوش دادم. سخنان او جالب بود. من همیشه فکر می کردم
مردم برای نماز خواندن به مسجد می آیند؛ نمی دانستم که مسجد محله ی ما کلاس های آموزش قرآن.
نقاشی، رایانه و عکاسی دارد. در آنجا کتاب خانه ی خوبی نیز برای کودکان وجود دارد. مادر جان! من

هم دلم می خواهد در یکی
از این کلاس ها شرکت
کنم و از کتاب خانه ی
آنجا استفاده کنم.»

مادر و پدر لبخندی
به مهدی زدند و با هم به
طرف خانه رفتند.

